

حسن حبیبی*

تحمیل جنگ تحمیلی ۸ساله و کمک‌های ایالات متحده آمریکا

رشت (پانا) - از منظر جهانی می‌توان تحمیل جنگ بر ایران را واکنش نظام بین‌الملل به پیروزی انقلاب اسلامی تحلیل کرد که به وسیله دو قطب شوروی و آمریکا اداره می‌شد.

وقوع انقلاب اسلامی در دوران نظام دو قطبی، هم به دلیل آوردن دین به صحنه اجتماع و سیاست و هم به جهت مخالفت جدی با تقسیم جهان میان دو قطب شرق و غرب و اعلام جهت‌گیری «نه شرقی، نه غربی» در سیاست خارجی، فصل جدیدی در حوزه روابط بین‌الملل به وجود آورد که بیش از همه سیاستمداران و راهبردی‌نویسان آمریکایی را به فکر فرو برد.

از منظر جهانی می‌توان تحمیل جنگ بر ایران را واکنش نظام بین‌الملل به پیروزی انقلاب اسلامی تحلیل کرد که به وسیله دو قطب شوروی و آمریکا اداره می‌شد، زیرا وقوع انقلاب اسلامی تنها رویداد دوران جنگ سرد بود که بدون موافقت یکی از طرفین اتفاق افتاد و از این رو هر دو قدرت موافق مهار آن بودند که از جمله مهمترین کارکرد بین‌المللی آن چالش در آموزه‌های لیبرالیسم و کمونیسم بود. با وجود این جنگی نیابتی محسوب می‌شد که از سوی رژیم بعث عراق، بر حکومت نوپای جمهوری اسلامی تحمیل شد. به این دلیل نیابتی بود که قدرت‌های بزرگ آمریکا، شوروی، فرانسه، انگلیس و بعضی قدرتهای دیگر غربی و دولت‌های منطقه، بر خلاف قواعد و مقررات مصرح حقوق بین‌الملل و لزوم رعایت اصل بی‌طرفی، از هیچ کوششی برای حمایت از صدام در جنگ دریغ نکردند تا بتوانند در دستیابی به انقلاب اسلامی به اهداف سه‌گانه خود در قلمرو ملی، بین‌المللی اسلامی و عرصه جهانی، مانع ایجاد کنند.

۱- در قلمرو ملی، با استخراج داده‌های انقلاب اسلامی که در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی موجود است، تبدیل ایران به یک قدرت بین‌المللی، اولین هدف انقلاب اسلامی است. به همین دلیل، اصل اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی مبتنی بر جهت‌گیری «نه شرقی، نه غربی» است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز مندرج است و در واقع به معنای مخالفت با آموزه‌های دین‌گریز و سلطه‌آمیز از نوع شرقی یا غربی آن است. زیرا در نظام دو قطبی قطب‌های قدرت در پی حفظ سلطه خود هستند و به سیاستی تمایل دارند که تعارضات میان اعضای ضعیف‌تر نظام و جنگ بین آن‌ها را ترجیح دهند تا نهایتاً به بی‌ثباتی در کشور و پیرامون منجر شود و مادامی که بی‌ثباتی به هسته مرکزی سرایت نکند، این سیاست ادامه دارد. علاوه بر آمریکا که در مرکز حمایت‌های همه‌جانبه از رژیم بعث عراق در تهاجم به ایران قرار داشت؛ رهبران شوروی نیز از این جنگ حمایت کردند، زیرا آن‌ها نیز مانند آمریکایی‌ها با حضور قطب دیگری در نظام بین‌الملل که بتواند ملت‌ها و دولتهای مستقل را در یک سامانه جدید ساماندهی کند، مخالف بودند. بدین سان فشار نظامی بر ایران را فرصتی برای تاثیرگذاری بر تحولات سیاسی و نفوذ در ایران تصور می‌کردند، اما چنین نشد و حتی در اوج موشک‌باران شهرهای ایران، جمهوری اسلامی تقاضای شوروی برای کنار آمدن با این کشور در اشغال افغانستان در مقابل قطع کمک‌های نظامی و موشکی این کشور به عراق را نپذیرفت. این امتناع از پذیرفتن پیشنهاد شوروی، تأکیدی بود بر این واقعیت که ایران راهی جدا از دو بلوک قدرت در روابط بین‌المللی در پی گرفته است.

۲- از مهمترین دلایل وارد کردن عراق به عنوان طرف سوم در جنگ علیه ایران، همانطور که کسینجر می‌گفت، جلوگیری از اتحاد دو ملت ایران و عراق بود که در این صورت علاوه بر برهم‌زدن معادله قدرت در منطقه، راه برای هدف دوم انقلاب اسلامی که تلاشی برای ایجاد وحدت میان مسلمانان و در نهایت، بستر لازم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی بود، فراهم می‌شد.

بی‌WZWNJ& تردید تحلیل آمریکایی‌WZWNJ&ها این بود امواج انقلاب اسلامی در درون مرزهای ایران باقی نخواهد ماند. با توجه به شکست‌WZWNJ&های پیاپی مسلمانان در تقابل با استعمار در دهه‌WZWNJ&های گذشته و موضوع مهم آزادسازی فلسطین که به یک ناکامی بزرگ، خاصه برای دولت‌WZWNJ&های عربی تبدیل شده بود، دولت‌WZWNJ&های طرفدار آمریکا در منطقه نیز دستخوش تحول خواهند شد. از این رو در پی ناکامی‌WZWNJ&های آمریکا در کودتا یا تجزیه کشور، تحمیل جنگ بر ایران را باید مهمترین راهبرد آمریکا برای بازگرداندن وضعیت مطلوب ایالات متحده در منطقه تلقی کرد که معتقد بود با سرکوب جمهوری اسلامی ایران می‌WZWNJ&تواند به وضعیت مطلوب گذشته در منطقه برگردد. در این مسئله نیز روس‌WZWNJ&ها و آمریکایی‌WZWNJ&ها هم نظر بودند. آن‌WZWNJ&ها به درستی چنین می‌WZWNJ&اندیشیدند که با توجه به تغییرات سیاسی و ساختاری که با انقلاب اسلامی در ایران اتفاق افتاده و با التفات به اکثریت شیعه در عراق و حضور روحانیون متمایل به انقلاب اسلامی، امکان ادامه حکومتی با اقلیت بعثی، نمی‌WZWNJ&توانست مصون از تحول سیاسی باشد. از سوی دیگر، در صورت قرار گرفتن ایران به عنوان محور تلاش‌WZWNJ&های مسلمانان برای اتحاد و تمدن سازی، مسلمانان شوروی نیز تحت تاثیر قرار خواهند گرفت؛ بنابراین شوروی نیز مانند آمریکا، وقوع جنگ و ادامه آن بدون پیروزی را مانع دستیابی جمهوری اسلامی به این هدف می‌WZWNJ&دانست.

۳- از سوی دیگر می‌WZWNJ&توان تحمیل جنگ بر جمهوری اسلامی را در راستای جلوگیری از تلاش ایران برای دستیابی به هدف سوم انقلاب اسلامی یعنی، تشکیل قطب ضد سلطه و مرکب از ملت‌WZWNJ&ها و دولت‌های آزادیخواه با هدف اصلاح ساختار و نرم‌WZWNJ&های حاکم بر نظام بین الملل تحلیل کرد، زیرا همانطور که اشاره شد، شعار نه شرقی، نه غربی، یعنی انتخاب راه سوم در عرصه بین الملل، که خواهان بسیاری در ملت‌WZWNJ&ها و دولت‌WZWNJ&ها داشته و دارد. بر این پایه از نظر جمهوری اسلامی نظام بین الملل بر آرای ملت‌WZWNJ&ها و دولت‌WZWNJ&هایی که از ملت‌WZWNJ&های خود نمایندگی می‌WZWNJ&کنند بیان نشده است، بلکه محصول توافق دو قدرت پیروز جنگ جهانی دوم بود.

جمهوری اسلامی معتقد است که در عرصه بین‌WZWNJ&الملل حتما نیازمند یک نظام است، اما این نظام باید مبتنی بر عدالت و مد نظر قرار دادن حقوق ملت‌WZWNJ&ها و جلوگیری از استبداد حکومت‌WZWNJ&ها و پایان یافتن استعمار ملت‌WZWNJ&ها باشد. به همین دلیل پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، حمایت از مستضعفان و ظلم ستیزی و مبارزه با استکبار و استعمار، از مهم‌WZWNJ&ترین شاخص‌WZWNJ&های انقلاب اسلامی بوده و با اتخاذ دکرترین مقاومت در روابط بین‌WZWNJ&الملل، جمهوری اسلامی ایران توانسته توان و قدرت تاثیرگذاری خود را بر رویدادهای منطقه‌WZWNJ&ای و بین المللی و در حوزه امنیت و دفاع از کشور نیز تعمیق کند، چرا که از جمله مهمترین شاخص‌WZWNJ&های ارزیابی، توانایی حفظ امنیت ملی هر کشوری، در ارزیابی عمق نفوذ منطقه‌WZWNJ&ای و جهانی آن کشور تحلیل می‌WZWNJ&شود. نهایت اینکه اگر از رویدادهای کوتاهی مانند قضیه مک فارلین بگذریم، اتخاذ دکرترین مقاومت در طول یک دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، چه در مدیریت بحران‌WZWNJ&های قبل از جنگ، چه در مقابله با جنگ نیابتی رژیم بعث عراق، راهنمای عمل همه قوا، و نهادها و سازمان‌WZWNJ&های لشکری و کشوری جمهوری اسلامی برای مقابله با فزون طلبی نظام سلطه به رهبری آمریکا بود و برای اولین بار در تاریخ معاصر ایران، مهاجمان به کشور را در دستیابی به اهداف خود ناکام گذاشت تا به عنوان نظریه انقلاب اسلامی وارد مفاهیم علوم سیاسی و روابط بین الملل شود؛ بدین معنا که هرگاه ملتی در مقابل دشمن و نظام سلطه مقاومت کند، علاوه بر این که از منافع ملی و ارزشهای کشور حفاظت می‌WZWNJ&شود، دشمنان را در تحلیل جنگ بعدی در کشور منصرف خواهد کرد و ملت و مسئولان را در برنامه ریزی و پیگیری برای پیشرفت، مصمم‌WZWNJ&تر و منسجم‌WZWNJ&تر خواهد کرد. دکرترین مقاومت پس از جنگ نیز در نظام جمهوری اسلامی ادامه یافت و نتایج درخشانی در پی داشت است.

*مدرس دانشگاه و رئیس سازمان بسیج فرهنگیان